**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه293 – 27/ 11/ 1398 مفاد هیئت ترکیبی لا ضرر و لا ضرار** **/ مفاد حدیث لا ضرر / قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسات امروز:**

بحث در مفاد هیئت ترکیبی لا ضرر و لا ضرار بود. مرحوم شیخ انصاری، معنای «لا ضرر» را نفی حکم ضرری دانسته و بر آن شواهدی را اقامه کرده است. در این جلسه این شواهد نقل شده و این شواهد مورد بررسی قرار می گیرد. مرحوم شیخ الشریعه، «لا ضرر» را به معنای نهی دانسته و شواهدی را بر این مدعا بیان کرده است. یکی از این شواهد، کلام اهل لغت است که در این جلسه مورد اشاره قرار می گیرد.

## شواهد مرحوم شیخ بر معنا کردن لا ضرر به حکمٌ ینشأ منه الضرر

بحث درباره مفاد هیئت ترکیبی لا ضرر و لا ضرار بود. مرحوم شیخ انصاری لا ضرر و لا ضرار را به معنای لا حکم ینشأ منه الضرر می دانند و برای اثبات آن چهار شاهد اقامه کرده اند:

1. نفس فقره شاهد بر این معناست.
2. نظائر این فقره همین معنا را می رساند.
3. موارد ذکر این فقره در روایات با این معنا سازگار است.
4. علما از این روایت این معنا را برداشت کرده اند.[[1]](#footnote-1)

### پاسخ مرحوم شیخ الشریعه به شواهد مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ الشریعه این شواهد انکار کرده و در پاسخ می فرماید:

1. نفس فقره ظهور در نهی تکلیفی دارد.
2. در نظائر این فقره که لا بر سر طبیعت وارد شده، هیچ موردی که در آن نفی سبب به لسان نفی مسبّب باشد، نداریم.
3. موارد ذکر لا ضرر در روایات با معنای نفی حکم ینشأ منه الضرر تطبیق نمی شود.
4. علمای معدودی تنها این معنا را برداشت کرده اند و این باعث تعیّن این معنا نمی شود.[[2]](#footnote-2)

### بررسی شواهد مرحوم شیخ

#### شاهد اول: ظهور نفس فقره لا ضرر

برای تعیین ظهور نفس فقره باید قرائن استقصاء شده و ملاحظه کرد ظهور در کدام معنا دارد. آقای سیستانی در این باره به بیانی ظهور نفس فقره را در معنای مرحوم شیخ دانسته که در آینده در این باره بحث خواهیم کرد.

#### شاهد دوم: ملاحظه نظائر ترکیب لا ضرر

بررسی نظائر را می توان به دو گونه ملاحظه کرد:

الف: تعیّن اراده نهی به شهادت نظائر این عبارت

ب: هیچ مورد مشابهی وجود ندارد که در آن، این ترکیب در معنای مورد ادعای مرحوم شیخ استعمال شده باشد.

مرحوم شیخ الشریعه بیشتر ناظر به گونه دوم بوده و تنها وجود شواهد موافق با مرحوم شیخ را انکار می کند.

به نظر می رسد کلام مرحوم شیخ الشریعه صحیح بوده و هیچ شاهد و مشابهی برای استعمال ترکیب خاص لا و طبیعت در نفی حکم ینشأ منه الضرر یا نفی سبب به لسان نفی مسبّب، مشاهده نشده است و همین نقطه ضعف جدی برای این معناست.

از موارد استعمال لای وارد بر طبیعت تنها دو معنا برداشت می شود.

1. مواردی که لا بر حصه طبیعت وارد شده که هدف از آن نفی حکم طبیعت از حصه خاص است.
2. مواردی که لا بر نفس طبیعت وارد شده که هدف از آن نفی مشروعیت طبیعت به معنای اعم است.

اما تمسک به نظائر این ترکیب برای تعیّن معنای نهی، در مقام بررسی کلام مرحوم شیخ الشریعه و بیان اشکال آقای سیستانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### شاهد سوم: تطبیق لا ضرر بر مورد

به نظر ما تنها مورد ثابت شده تطبیق لا ضرر بر مورد، قضیه سمره بوده و تطبیق بودن لا ضرر در سایر روایات صحیح، اثبات نشده است. تنها در برخی از روایات ضعیف، لا ضرر بر مواردی تطبیق داده شده است که برخی از این روایات مرور می شود.

##### روایت وارد در المختار من صحیح الحدیث

وفي شرح الأحكام لابن بلال: أخبرنا السيد أبو العباس الحسني رحمه اللَّه، قال: أخبرنا علي بن محمد الروياني، قال: حدَّثنا الحسين بن علي بن الحسن، قال: حدَّثنا زيد بن الحسين، عن ابن أبي أويس، عن ابن ضميرة، عن أبيه، عن جده، عن علي عَلَيْه السَّلام: أنه كان يقول: من أعتق شركا له في عبد أعتق، وأقيم عليه ؛ لأن رسول اللَّه صَلَّى الله عَلَيْه وَآله وسَلَّم يقول: ((لاضرر ولا ضرار في الإسلام)).[[3]](#footnote-3)

«اعتق شرکا له فی عبد» به این معناست که سهمی از عبد که برای اوست را آزاد کند. هر چند در این روایت، لا ضرر بر مورد تطبیق شده و از آن ضامن بودن معتق نسبت به سهم شریکان اثبات شده، اما از نظر سندی اعتباری ندارد.

«اقیم» به احتمال زیاد نسخه بدل از «اُعتق» باشد. در اعلام الاعلام به هنگام نقل این روایت به صورت مرسل از امیر مؤمنین ع ، «اعتق علیه» وارد شده است.[[4]](#footnote-4) احتمال جدی وجود دارد که «اعتق» نسخه بدل به «اقیم» شده و جمع بین نسخه بدل و نسخه اصلی شده است. بر فرض صحت «اعتق علیه»، این تعبیر به همان معنای «قوّم علیه» می باشد.

اگر به جای «اقیم»، «قوّم» بود، روایت را می توان این گونه معنا کرد که تمام عبد با عتق نصیب معتق، آزاد شده و بر ضدّ معتق، قیمت گذاری می شود و پرداخت قیمت مقدار سهم دیگران که ضرر دیده اند بر عهده معتق است. در روایات خاصه بین موسر و معسر تفصیل داده شده و در صورت معسر بودن بیان شده که عبد برای آزاد شدن بقیه خود تلاش می کند.

باید دقت داشت: بحثی در این نیست که شارع مقدس می تواند برای ضارّ مجازاتی تعیین کرده یا در مواردی که قهرا ضرر به دیگری وارد شده، لزوم تدارک را جعل کند. اما سخن در این است که آیا از اطلاق «لا ضرر و لا ضرار» لزوم تدارک یا ثبوت مجازات بر ضارّ استفاده می شود؟ پس صرف اثبات لزوم تدارک یا ثبوت مجازات در برخی از موارد خاص، نمی تواند دلیل بر معنا کردن لا ضرر به لزوم تدارک یا ثبوت مجازات باشد. در برخی از روایات خاصه برای معتقی که قصد اضرار دارد، مجازاتی تعیین شده و بیان شده که باید سهم دیگران را بپردازد. اما از آن برداشت نمی شود که ظهور «لا ضرر» در تعیین مجازات است.

در نتیجه، جلوگیری از ضرر انحاء مختلفی دارد که «لا ضرر» ناظر به هیچ یک از انحاء جلوگیری از ضرر نیست.

سوال: به علت عدم انگیزه بر جعل در روایت، می توان از آن استفاده کرده و بیان کرد: با توجه به تطبیق لا ضرر بر مورد اعتاق نصیب و حکم به لزوم پرداخت نصیب سایر شریکان، «لا ضرر» دالّ بر لزوم تدارک یا مجازات بر ضارّ است.

پاسخ: انگیزه جعل به هیچ وجه منتفی نیست زیرا امکان دارد به علت تناسب بین دو حکم شرعی اعتاق نصیب شریک و لا ضرر، بین این دو حکم جمع شده باشد. همانگونه که ابو البختری، بین روایات صحیحی که بین آنها تناسب وجود داشته، جمع می کرده است.

خلاصه آنکه، تمام معانی مذکور برای «لا ضرر» صلاحیت اراده از لا ضرر را دارند اما مهم اثبات شاهد بر اراده این معناست.

#### روایت وارد در المقنع

در المقنع صدوق نیز به حدیث لا ضرر برای اثبات ضمان تمسک شده است.

و رويت أنّه جاء رجل إلى عمر بن الخطاب و معه رجل، فقال: إنّ بقرة هذا شقّت بطن جملي، فقال عمر: قضى رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم فيما قتل البهائم: إنّه جُبار و الجبار الذي لا دية له و لا قود.

فقال أمير المؤمنين- عليه السلام- قضى النّبيّ صلى اللّه عليه و آله و سلم: لا ضرر و لا ضرار. إن كان صاحب البقرة ربطها على طريق الجمل فهو له ضامن، فنظروا فإذا تلك البقرة جاء بها صاحبها من السّواد، و ربطها على طريق الجمل، فأخذ عمر برأيه- عليه السلام-، و أغرم صاحب البقرة ثمن الجمل‏[[5]](#footnote-5)

به نظر می رسد به دلیل مرسل بودن این روایت نمی توان به آن استشهاد کردو به خصوص آنکه شیخ صدوق با تعبیر «رویت» روایت را نقل کرده است. هر چند در من لا یحضره الفقیه تفکیک بین قال و روی به علت عبارت صدوق در مقدمه، صحیح نیست اما چنین مطلبی در مقنع وجود نداشته و دلیلی نداریم که شیخ صدوق به تمام روایات مقنع، فتوا داده باشد.

خلاصه آنکه، تنها روایتی که در آن تطبیق وجود داشته و صحیح است، روایت وارده شده در قضیه سمره است. مطلقات وارد در «لا ضرر و لا ضرار» نیز ثابت نیست در غیر مورد سمره وارد شده باشد. احتمال دارد «لا ضرر» ذیل قضیه سمره بیان شده و در سایر موارد به صورت مطلق نقل شده است.

در حدیث شفعه بیان شد: احتمال جمع بین حکم شفعه و حدیث لا ضرر توسط راوی منتفی است. جمع توسط امام ع نیز می تواند به این وجه باشد که دو حکم شفعه و لا ضرر، لطف خداوند به مؤمن را نشان داده و از این جهت با هم تناسب دارند نه آنکه حکم شفعه تطبیق لا ضرر باشد.

در نتیجه موارد ذکر لا ضرر، به علت عدم اثبات در غیر قضیه سمره، قابل اعتنا نبوده و نمی توان با توجه به آنها حدیث «لا ضرر و لا ضرار» را معنا کرد.

#### شاهد چهارم: استشهاد به فهم علما در معنای لا ضرر

چهارمین شاهد مرحوم شیخ انصاری بر اراده معنای نفی حکم ینشأ منه الضرر، فهم علماست. آقای سیستانی می فرماید:

یا مراد علمای لغت است یا مراد فقهاست. اگر مراد شیخ انصاری فقها باشد، عبارت وارد شده در شرح موطأ مالک از ابی داود برای اثبات فهم فقهای عامه کافی است: «ان الفقه یدور علی خمسه احادیث هذا احدها» از این عبارت استفاده می شود، فقهای عامه لا ضرر را به معنای نفی حکم ینشأ منه الضرر می دانند. هم چنین سیوطی در اشباه و نظائر می نویسد: «اعلم أن هذه القاعدة ينبني عليها كثير من أبواب الفقه،...»[[6]](#footnote-6)

به نظر می رسد هیچ یک از این دو عبارت شاهد بر مدعای آقای سیستانی نیست. «ان الفقه یدور علی خمسه احادیث هذا احدها» به این معنا نیست که تمام فقها به این پنج حدیث تمسک کرده اند بلکه امکان دارد به این معنا باشد که مطالب اصلی فقه، می تواند از این پنج حدیث برداشت شود هر چند امکان دارد علما با استدلال به ادله ای دیگر، این احکام را اثبات کرده باشند.

عبارت سیوطی نیز دالّ بر وجود اجماع یا شهرت بر معنا کردن «لا ضرر» به حکم موجب ضرر نیست زیرا در عبارت سیوطی تطبیقات متعدّدی بر قاعده لا ضرر مترتب شده، در حالی که تمام این تطبیقات مورد فتوای علما نیست. به نظر می رسد، استفاده تطبیقات از قاعده لا ضرر، به استظهار و استنباط سیوطی است نه آنکه علما این تطبیقات را از قاعده برداشت کرده باشند. به همین دلیل ممکن است نفس معنا کردن لا ضرر به این معنا نیز به برداشت و استنباط سیوطی باشد نه آنکه علما این قانون عام را قبول دارند.

خلاصه آنکه، به عقیده ابی داود و سیوطی، آرای فقهی موجود در کلام فقیهان را می توان از حدیث لا ضرر برداشت کرد نه آنکه فقیهان این آرای فقهی را از حدیث لا ضرر استفاده کرده اند. حتی در بسیاری از تطبیقات موجود در کلام سیوطی، علما برای اثبات حکم به لا ضرر تمسک نکرده اند. پس نمی توان با این عبارت، کلام شیخ الشریعه را انکار کرده و اثبات کرد علما از حدیث لا ضرر، نفی حکم ضرری را برداشت کرده اند.

آقای سیستانی به کلام فقیهان خاصه نیز تمسک کرده و از صاحب عناوین نقل می کند:

و أما علماء الخاصة: فيكفي في معرفة موقفهم ملاحظة ما ذكره صاحب العناوين فيها في ذكر المقامات التي استندوا فيها إلى هذه القاعدة قال: (و يندرج تحته ...[[7]](#footnote-7)

به نظر می رسد مراد از «استندوا فیها» استناد فی الجمله علماست نه آنکه کل علما یا جلّ علما به قاعده لا ضرر برای این تطبیقات تمسک کرده باشند. این میزان نیز نافی کلام مرحوم شیخ الشریعه نیست زیرا ایشان استناد فی الجمله علما را پذیرفته است و بیان می کند: شاهدی وجود ندارد تمام علما یا اکثر علما از حدیث لا ضرر، نفی حکم ضرری فهمیده باشند.

مرحوم مراغی می نویسد:

من جملة الأصول المتلقاة من الشريعة (قاعدة الضرر و الضرار) و هو من القواعد الكثيرة الدوران العامة النفع، و يبتني عليه كثير من الفروع في الفقه، إلا أن الإجمال المخل إنما هو في معناه و في كيفية دلالته، و لهم في ذلك كلمات كثيرة، و الذي ينبغي البحث في ذلك تنقيح المراد منه بحسب ما يستنبط من كلمة الأصحاب، لأنها المعيار في أمثال الباب. فلا بد أولا من ذكر المقامات التي استندوا فيها إلى (قاعدة نفي الضرر) حتى يتضح من مجموعها ما ينبغي أن يقال في ضبط المعنى و المراد و تحرير الاستدلال، ليكون جامعا بين النص و الفتوى. فنقول: من جملة موارد القاعدة ما مر في مسألة العسر و الحرج ...[[8]](#footnote-8)

فروع بیان شده در کلام مرحوم مراغی، در کلام قدما وجود ندارد و نهایتا در کلام شیخ در مبسوط وجود دارد. همانگونه که روشن است تمسک به کلام شیخ طوسی در مبسوط، کافی برای فهم معنای حدیث لا ضرر نیست.

با توجه به کافی نبودن این نوع سبک در فهم مفاد روایت، وارد بحث بیشتر از این ناحیه نمی شویم.

## شواهد مرحوم شیخ الشریعه بر معنا کردن «لا ضرر» به نهی

مرحوم شیخ الشریعه از حدیث لا ضرر معنای نهی را فهمیده و بر آن استدلالاتی را بیان کرده است. آقای سیستانی، وجوه متعدّدی را از کلام شیخ الشریعه برای اثبات معنای نهی اصطیاد کرده و به آنها پاسخ می دهند.

### شاهد اول: کلام لغوی ها

یکی از وجوهی که مورد استدلال مرحوم شیخ الشریعه است، کلام لغوی ها می باشد. ایشان بیان می کند: لغوی ها از لا ضرر معنای نهی فهمیده اند. آقای سیستانی عبارت مختلف لغوی ها را نقل کرده و میزان اصالت آنها را مورد بررسی قرار می دهد. این مباحث آقای سیستانی مباحث مفیدی بوده و در مباحث دیگر نیز کاربرد دارد.

### پاسخ آقای سیستانی

آقای سیستانی[[9]](#footnote-9) می فرماید: مرحوم شیخ الشریعه از نهایه ابن اثیر، لسان العرب، الدر النثیر سیوطی، تاج العروس زبیدی و مجمع البحرین نقل کرده اما این کتب لغت، اصالت ندارند. اما نهایه ابن اثیر از کتاب حافظ ابی موسی اصفهانی و ابی عبید هروی اخذ شده و معنای مورد نظر مرحوم شیخ الشریعه از کتاب هروی اخذ شده است. در مقدمه لسان العرب نیز، اشاره شده که مطالب پنج کتاب را تجمیع کرده و مسوولیت خیر و شرّ آنها با مؤلفان مصادر است. مطلب حاضر در لسان العرب از نهایه ابن اثیر نقل شده است. الدرّ النثیر نیز، مختصر نهایه ابن اثیر است. تاج العروس نیز، از لسان العرب یا النهایه یا الدرّ النثیر اخذ شده و مستقلا آن را نیاورده است. به همین دلیل مصحّح نهایه ابن اثیر، تاج العروس را نسخه ای از نهایه ابن اثیر تلقّی کرده است. البته عبارت تاج العروس ظهور در جزم به معنا کردن لا ضرر به نهی ندارد. در تاج العروس آمده است: (و الاسم الضرر فعل واحد و الضرار فعل الاثنين و به فسر الحديث (لا ضرر و لا ضرار) أي لا يضر الرجل أخاه فينقصه شيئا من حقه و لا يجازيه على إضراره بإدخال الضرر عليه، و قيل هما بمعنى و تكرارهما للتأكيد). مجمع البحرین نیز، عین عبارت نهایه ابن اثیر را نقل کرده است.

در نتیجه اصل عبارات لغوی ها متعلق به تهذیب اللغه ازهری و هروی در غریبین است و این میزان کاشف از اجماع یا شهرت لغوی ها بر معنای لا ضرر به نهی نیست.

#### بررسی کلام آقای سیستانی

در بررسی کلام آقای سیستانی باید گفت:

اولا: همانگونه که در جلسات گذشته بیان شد: از نظر صغروی این عبارت در نهایه ابن اثیر از غریب الحدیث ابی عبید هروی نیست.

ثانیا: مجرّد نقل عبارت از شخصی دیگر، باعث نمی شود فهم نفر دوم از اعتبار ساقط شود. مثل آنکه شیخ طوسی مطلبی را از کافی نقل کرده باشد که صرف نقل مبسوط از کافی، باعث سقوط فهم شیخ طوسی از اعتبار و ملاحظه صرف کافی نیست.

در جلسه آینده بیشتر این مطلب توضیح داده می شود.

1. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج2، ص461.](http://lib.eshia.ir/13056/2/461/) [↑](#footnote-ref-1)
2. قاعدة لا ضرر (لشيخ الشريعة)؛ ص: 27 [↑](#footnote-ref-2)
3. المختار من صحیح الحدیث و آلاثار؛ ج 1، ص: 655 [↑](#footnote-ref-3)
4. اعلام الاعلام بادله الاحکام؛ ج 1، ص: 485 [↑](#footnote-ref-4)
5. [المقنع، شیخ صدوق، ج، ص537.](http://lib.eshia.ir/10050//537/جبار) [↑](#footnote-ref-5)
6. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 159 [↑](#footnote-ref-6)
7. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 159 [↑](#footnote-ref-7)
8. العناوين الفقهية؛ ج‌1، ص: 304 [↑](#footnote-ref-8)
9. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 172 [↑](#footnote-ref-9)